

بسمه تعالی

چشم‌انداز سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی با تکیه بر نگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سید محمد ساداتی نژاد^۱

سید علی ساداتی نژاد^۲

چکیده

تمدن اسلامی با بعثت پیامبر (ص) آغاز و با هجرت رسول خدا (ص) به مدینه رشد و نمو یافت. بعد از ۷ قرن، در اوج بودن تمدن اسلامی، با ۷ قرن انحطاط تمدن اسلامی روبرو شدیم تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زمینه برای اوج‌گیری مجدد تمدن اسلامی و ظهور یک تمدن نوین اسلامی فراهم شد. سوال اصلی در این مقاله، آن است که نگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان سکانداران راهبری انقلاب اسلامی به چشم‌انداز سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی در دوره حاضر چگونه است؟ فرضیه مقاله آن است که با بررسی آراء هر دو رهبر به عنوان کسانی که انقلاب اسلامی را گامی در جهت استقرار تمدن نوین اسلامی می‌دانستند، می‌توان اصول مورد نظر آنها برای سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی را استخراج کرد. بر این اساس و پس از بررسی، مواردی مانند صدور انقلاب و مفاهیم اسلامی، نه شرقی و نه غربی، استکبارستیزی، نفی رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی، احترام متقابل، کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش، اتحاد جهان اسلام و صلح عادلانه را می‌توان به عنوان اصول مورد نظر سیاست خارجی منطبق با تمدن نوین اسلامی از نگاه آنها شناسایی نمود.

واژگان کلیدی: اسلام، اصول، سیاست خارجی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) آغاز و با هجرت او به مدینه، رشد و نمو پیدا کرد و فرهنگ اسلامی در مدینه و پس از آن در سایر شهرهای منطقه حجاز فراگیر شد. مسلمانان با اتکاء بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر (ص) و ائمه (ع) موفق شدند تا فرهنگ و تمدن اسلامی را تا قرن پنجم هجری به اوج خود برسانند. منظور از تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مولفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار بوده و مولفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... است. (جان احمدی ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲)

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را دربر گرفت. بنابراین شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است. (اکبری و رضایی ۱۳۹۴: ۱۰۸-۸۵)

تمدن اسلامی در کنار سایر تمدن‌ها، تمدن انسانی را پدید آورده‌اند. این تمدن از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است که آن را از تمدن‌های دیگر متمایز می‌کنند، هرگونه رهیافتی به تمدن اسلامی در گرو توجه به این ویژگی‌ها است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- تمدن اسلامی وقتی که پا به عرصه وجود گذاشت، نسبت به تمدن‌های پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ نمود، بدین صورت که نه در مقابل آنها صف‌آرایی نمود و نه در برابر آن تمدن‌ها منفعل شد بلکه دستاوردهای مثبت آنها را گرفت و در خود هضم نمود و جهات منفی را هم نپذیرفت. دکتر زرین کوب در این باره می‌گوید تمدن اسلامی، نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود، نه ادامه‌دهنده محض، ترکیب‌کننده بود و تکمیل‌سازنده.

۲- تمدن اسلامی با محوریت قرآن از آغاز دیدگاهی جهانی و فراملیتی داشت و هیچگاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد ننمود، لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام اقوام مختلف عرب ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی بهم آمیختند. همین نکته سبب شد که مسلمانان از هر قوم و ملتی که بوده‌اند خود را منادی اسلام بدانند. یعنی مایه اصلی این معجون که تمدن و فرهنگ اسلامی خوانده می‌شود در واقع اسلام بود، نه شرقی و نه غربی. (خلج ۱۳۹۲: ۱۴)

با تمامی این احوال و دستاوردهای عظیمی که تمدن اسلامی با خود به همراه داشت متأسفانه عوامل متعددی باعث افول این تمدن عظیم شد. از جمله آنها می‌توان به روحیه استبدادی حاکم بر شاهان، حمله

مغولان به امپراتوری عظیم اسلامی و از بین بردن بسیاری از مظاهر تمدن اسلامی از جمله کتابخانه‌ها و قتل دانشمندان، دور بودن دست‌اندرکاران تمدن بزرگ اسلامی از اهل بیت (ع) به عنوان سرچشمه‌های راهنما و راهگشای ساخت تمدن مستحکم و عظیم اسلامی اشاره کرد. در مقابل، بسیاری از اصول تمدن اسلامی وقت بر مبنای اندیشه‌ای غیر اهل بیت بنا شد که نواقص مختلفی داشت و با توجه به این نواقص نمی‌توانست خط مشی صحیحی ارائه داده و به پایداری تمدن اسلامی کمک نماید. (خلج ۱۳۹۲: ۱۴)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران را می‌توان سرآغازی بر بروز و ظهور تمدن نوین اسلامی در دوران جدید دانست. امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) جانشین ایشان، بارها در سخنرانی‌های مختلف به بحث احیای تمدن اسلامی و استقرار تمدن نوین اسلامی که سرانجام آن متصل به ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد شد، تاکید ورزیده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع تمدن نوین اسلامی و تاثیراتی که می‌تواند در منطقه و جهان اسلام و نظام بین‌الملل به همراه داشته باشد، سوال اصلی در این مقاله، آن است که نگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان سکانداران راهبری انقلاب اسلامی به چشم‌انداز سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی در دوره حاضر چگونه است؟ فرضیه مقاله که مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار گرفت آن است که با بررسی آراء هر دو رهبر می‌توان اصول و ارزش‌های مورد نظر ایشان در جهت پیشبرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به عنوان چشم‌انداز سیاست خارجی مورد نظر تمدن نوین اسلامی شناسایی کرد.

در این مقاله ابتدا به بررسی مفهوم تمدن پرداخته و سپس به تبیین نگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نسبت به تمدن اسلامی و سیاست خارجی منطبق با تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود.

تعریف تمدن

واژه تمدن، حضاره یا civilization، در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت که دستاورد شهرنشینی است و یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند، مورد استفاده قرار گرفته است. (سپهری ۱۳۸۵: ۳۵) یونانیان با استفاده از واژه civilization، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. (فوزی و صنم‌زاده ۱۳۹۱: ۹)

در فرهنگ فارسی تمدن را «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» تعریف کرده‌اند. (مرحوم عمید زنجانی ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۳۰) تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است. (ولایتی ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۳)

بعضی مدینه را از «دان یدین» دانسته و میم آن را زائد گرفته‌اند. (الراغب الاصفهانی ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۶۶۳ و ابن منظور ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ۴۰۲ و قرشی ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۴۴ و فراهیدی ۱۴۱۰ ق، ج ۸: ۵۳) افزون بر این، مولف کتاب «التحقیق» واژه «مدن» را ماخوذ از لغت عبری و سریانی و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات دانسته است. (مصطفوی ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۵۵)

گفته شده شهرنشینی به معنای اجتماع انسانی در یک منطقه با خانه‌ها و خیابان‌ها و کوی و برزن‌های پیوسته نیست، هر چند که بخشی از معنا را می‌رساند، بلکه شهرنشینی و مدنیت به معنای وجود قوانین مکتوب و سنت‌های نوشته شده و مدیریت شهری است. از اینرو است که پیامبر (ص) هنگامی که یثرب را با قوانین نوشته شده قرآن و مدیریت ثابت و منسجم و منضبط به شهری مدنی و دولت شهری اسلامی تبدیل کرد، نامش به مدینه‌النبی تغییر یافت تا دلالت بر تمدن و مدنیت به معنا و مفهوم گفته شده داشته باشد. بنابراین تمدن و مدنیت در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می‌نماید. (گولد و کولب ۱۳۹۲: ۴۷)

تمدن‌ها در آیات قرآنی مجموعه‌ای از اجتماعات انسانی است که در یک فرآیند به رشد و بالندگی و شکوفایی رسیده و توانسته است جامعه‌ای قدرتمند و ثروتمندی را بر پایه سنت‌ها و قوانین ایجاد کند. (ابراهیمی کوشالی ۱۳۹۵)

ابن خلدون نیز مولفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است. (آدمی ۱۳۸۷: ۳۹) وی حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بداوت آن را به کمال می‌رساند. (سپهری ۱۳۸۵: ۳۱) ایشان درباره مدنیت بیان کرده است، «در این که اجتماع نوع انسان ضروریست و حکیمان این معنی را بدین‌سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است.» (ابن خلدون ۱۳۶۳، ج ۱: ۷۷)

به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعداد‌های سازنده آنها باشد.» (علامه جعفری ۱۳۷۳، ج ۶: ۲۳۳) لوکاس، فرهنگ و تمدن را یکی دانسته، ولی دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن تلقی کرده است. فرهنگ [و تمدن]، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است (لوکاس ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۰)

این مختصر، چند نمونه از تعاریفی بود که از نگاه فرهنگ‌نامه‌ها و برخی شخصیت‌های مختلف علمی برای واژه تمدن ذکر شده است. اما در این میان، آنچه که دقیقتر به نظر می‌رسد آن است که تمدن بیشتر بر

جنبه سخت‌افزار و فرهنگ بر جنبه نرم‌افزار تاکید دارد و این دو مفهوم در واقع دو روی یک سکه هستند و یکی را می‌توان زیربنا و دیگری را به عنوان روبنا ذکر کرد.

نگاه امام خمینی و امام خامنه‌ای به تمدن نوین اسلامی

در اندیشه امام خمینی (ره) مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آنها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد نظر داشته‌اند. ایشان در جایی می‌گوید فرهنگ یک ملت در راس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد. ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تاسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند. (فوزی و صنمزاده ۱۳۹۱: ۲۲)

تعریفی که امام خمینی (ره) درباره تمدن بیان کرده‌اند، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود، مقدم بر تمدن است. (خمینی، ج ۴: ۲۷۰)

مقام معظم رهبری تمدن را دارای دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌داند. ایشان مولفه حقیقی همه تمدن‌ها را بخش نرم‌افزاری آنها می‌داند. این مولفه شامل خرده عناصری است که متن زندگی جامعه متمدن را تشکیل می‌دهد که ایشان نام سبک زندگی را بر آن می‌گذارد. در واقع منظور ایشان از سبک زندگی همان فرهنگ است و می‌توان گفت ایشان تمدن را عامتر از واژه فرهنگ می‌داند. از نظر ایشان فرهنگ دربر گیرنده تمام الگوی رفتاری و ارتباطی در حوزه‌های مختلف اعم از نهاد خانواده، سیاست، دوستان، جامعه، اقتصاد و ... می‌باشد. (بیانات رهبری ۱۳۹۱/۷/۲۳، و دنگچی ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷)

مساله تمدن سازی نوین اسلامی از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار رهبران انقلاب اسلامی قرار داشت و طرح حکومت جمهوری اسلامی و نیز موضوع ولایت فقیه که تنها با مبانی تمدن اسلامی قابل توضیح دادن می‌باشد یکی از ابعاد این تمدن سازی به شمار می‌آید.

با وجود این، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که در نقطه مقابل تمدن مادی‌گرای غرب قرار گرفته و آرمان‌های این تمدن را زیر سوال می‌برد، سردمداران این تمدن به تقابل با تمدن سازی نوین اسلامی پرداخته و از هیچگونه توطئه‌ای در جهت برانداختن نظام جمهوری اسلامی که سردمدار این تمدن سازی بود دریغ نکردند و عملاً کار ساخت تمدن سازی نوین اسلامی را به تاخیر انداختند تا اینکه پس از پایان جنگ، و به ویژه در سال‌های اخیر بار دیگر مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفت. رهبری در سفر خود به خراسان شمالی از موضوع تمدن سازی نوین اسلامی سخن به میان آورده و برخی از مولفه‌های آن را تشریح کردند. (جهان‌بین ۱۳۹۳: ۲۶)

تمدن‌سازی نوین اسلامی یعنی احیای تمدن اسلامی بر اساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکانی که در آن قرار داریم و نیز با الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پر شکوه اسلامی در گذشته تاریخ و نیز درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن شد و علت نوین خواندن آن این است که این تمدن، با الگوهای جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف‌های تمدن سابق در حال شکل‌گیری می‌باشد و به همین دلیل از دو جهت نو می‌باشد:

۱- از جهت الگوهای جدیدی که ساخت این تمدن به همراه داشته و با الگوهای تمدن اسلامی به انحطاط کشیده شده تفاوت دارد، هر چند همین الگوهای نو نیز مبتنی بر یک سری اصول ثابت و ریشه‌دار در سنت کهن اسلامی می‌باشد.

۲- از جهت اینکه این تمدن پس از ظهور تمدن مادی‌گرای غرب و انفعال چند صد ساله جهان اسلام در برابر آن، تجربه جدیدی می‌باشد که قابلیت عرض‌انداز و تقابل با آن تمدن را دارد و به همین دلیل تمدنی نو در برابر تمدن مغرب زمین که در حال تبدیل شدن به تمدن کهنه هست به شمار می‌آید. می‌توان گفت تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند. (جهان‌بین ۱۳۹۳: ۲۷-۲۶)

در این تعریف، روی چند عنصر تاکید شده است:

بر روی دو جنبه مادی و معنوی تمدن نوین اسلامی به مثابه دو روی یک سکه.
بر روی پیشرفت‌های نوظهور که تا حدی مرز ما با تمدن تاریخی را مشخص می‌کند.
بر روی تعالیم اسلامی که درون‌مایه و جهت تمدن نوین اسلامی را معین می‌کند.
بر روی تمامی عرصه‌های اجتماعی که از طریق آن، سوق‌یافتن تمدن نوین اسلامی به سمت تمدن‌های تک‌ساخته یا مادی‌گرا نفی می‌شود. البته برخی من‌جمله جهان‌بین، بر محوریت ایرانی بودن در تمدن نوین اسلامی تاکید دارند که از نظر نگارندگان نیازی به برجسته کردن این موضوع نیست.
آرمان دستیابی مجدد به تمدن اسلامی یک آرمان قدیمی است، اما در هیچ دوره‌ای از تاریخ مانند این دوره، این آرمان برای مسلمانان قابل وصول تلقی نشده است. علت اصلی این اتفاق نیز به پیروزی انقلاب اسلامی، مقاومت چهل ساله آن در برابر فشارهای عظیم غرب، پیشرفت‌های حاصله برای جمهوری اسلامی به ویژه پیشرفت علمی (جهان‌بین ۱۳۹۳: ۲۷) و به پیشرفت‌هایی بر می‌گردد که برای جبهه مقاومت در طول ۴ دهه بعد از انقلاب اسلامی حاصل شده است.

تمدن‌ها معمولاً در یک نقطه، مستعد شکوفایی هستند و بعداً منوط به وجود شرایط به نقاط دیگر سرایت می‌کنند. در خصوص تمدن نوین اسلامی نیز باید به این نکته توجه داشت که به هر حال، کانون تولد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی از جمهوری اسلامی ایران بوده است. دلیل آن، بضاعت خوبی است که پس از

پیروزی انقلاب اسلامی و گذشت حدوداً چهل سال از عمر انقلاب در جمهوری اسلامی برای حضور در میدان تمدن‌سازی به وجود آمد. البته این تمدن مانند هر تمدن دیگری، به نقاط گوناگون عالم به ویژه جهان اسلام سرایت کرده و هسته‌هایی را در قالب جبهه مقاومت و حتی فراتر از جبهه مقاومت ایجاد کرده است. باید توجه داشت که مشترکات بالقوه و بالفعل فراوانی میان جمهوری اسلامی ایران و سایر ملت‌های اسلامی، زمینه دستیابی به همگرایی و تشکیل یک کل واحد را بهتر از هر تمدنی در این تمدن مهیا کرده است. (جهان‌بین ۱۳۹۳: ۲۸)

امام خمینی (ره) در موارد متعددی در مورد تمدن نوین اسلامی سخن گفته است. می‌توان گفت یکی از بارزترین ویژگی‌های امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر سیاسی مذهبی، عملیاتی کردن ایده تمدن نوین اسلامی است با رهبری انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی بود. (زمانی محبوب ۱۳۹۵: ۱۳۵) در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. (اکبری و رضایی ۱۳۹۴: ۱۰۸-۸۵)

سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبران آن

سیاست خارجی همواره از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده است. مروری بر اصول و شاخص‌های جهت‌گیری سیاست خارجی از نگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب می‌تواند ما را با اندیشه ژرف و عمق نگاه‌های ایشان در این حوزه در ارتباط با تمدن نوین اسلامی بیشتر آشنا سازد. (سایت شفاف ۱۳۹۲)

دیدگاه امام خمینی

پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) که عهده‌دار رهبری و هدایت انقلاب بود، همه تلاش خود را برای نوسازی سیاست‌گذاری منطبق بر اصول و ارزش‌های اسلامی به کار می‌برد و در هر فرصتی بر لازمه انطباق تصمیمات در عرصه سیاست خارجی با موازین و معیارهای شرعی به مسئولان و کارگزاران تاکید می‌ورزید. (واعظی دهنوی ۱۳۹۱)

سیاست خارجی تمدن اسلامی از دیدگاه امام، مبتنی بر مبانی اندیشه سیاسی ایشان (همانند آمیختگی دین و سیاست و نظریه ولایت مطلقه فقیه) است. (سایت شفاف ۱۳۹۲) در کتاب اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی، محورهای اساسی روابط خارجی از دیدگاه امام «حفظ عزت اسلامی»، «مصلحت» و «عدالت» ذکر شده است. (قاضی‌زاده ۱۳۷۷: ۵۴۵-۵۳۴)

یکی از تفاوت‌های سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی با دیگر کشورها، مبانی و چگونگی تکیه بر منابع عقلی و نقلی است. از آنجایی که امام خمینی (ره)، رهبری مذهبی و دارای اندیشه سیاسی مبتنی بر اسلام است، با توجه به مبانی خاص اسلام از جمله کتاب و سنت به بیان اصولی بر پایه مبانی پرداخته است. در حقیقت، ساختار سیاست خارجی در تمدن اسلامی بر مبنای التزام به احکام شرع مقدس صورت می‌گیرد. بنابراین ارزش‌های اخلاقی و عقلی، مبانی امام را در سیاست خارجی شکل می‌دهند. با توجه به این مسئله مهم که بخش اعظمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌های اسلامی و مفاهیم مکتبی آمیخته شده است، امام خمینی (ره) به منزله بنیانگذار و رهبر این حکومت، مبانی نظری و اصول خاصی را برای سیاست خارجی آن ارائه می‌نمایند.

می‌توان اصول زیر را به عنوان اصول سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی از نگاه امام خمینی (ره)

استخراج کرد:

صدور انقلاب

صدور انقلاب از موضوعات مورد توجه امام بوده که به معنای صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای جهان است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است. امام در این باره اعتقاد دارد که با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم. (خمینی، ج ۲۰: ۳۴۵) حضرت امام صدور انقلاب را یک رسالت دینی بر اساس سیره پیامبر (ص) می‌داند و می‌فرماید ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیا است. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان است لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است. (خمینی، ج ۲۳: ۸۴) امیدوارم که موفق بشوید به این که اسلام را در همه کشورهای اسلامی و حقایق اسلام را در همه دنیا پیاده کنید. (خمینی، ج ۱۰: ۱۱۵) امام در جایی دیگر درباره صدور انقلاب می‌فرماید ما باید با شدت هر چه بیشتر انقلاب خود را به جهان صادر کنیم و این طرز فکر را که قادر به صدور انقلاب نیستیم، کنار بگذاریم زیرا اسلام، بین کشورهای اسلامی تمایز قائل نیست. ما حامی تمام محرومان هستیم. همه ابرقدرت‌ها و همه قدرت‌ها برای از بین بردن ما برخاسته‌اند. اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم، قطعاً با شکست روبرو می‌شویم. اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم، معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند. (خمینی، ج ۱۸: ۸۰) هدف امام از صدور انقلاب ابتدا بیداری و سپس تغییر افکار و اذهان مردم بود تا از زیر بار ظلم خارج گردند و همواره در

صحبت‌هایشان به روشنگری دین اسلام می‌پرداختند و جامعیت دین اسلام را بیان می‌کردند تا از طریق بیان و ماهیت واقعی اسلام آن را به دنیا عرضه داشته و صدور انقلاب را محقق سازند. (خمینی، ج ۷: ۲۵۲)

نه شرقی و نه غربی و استکبارستیزی

استقلال سیاسی و عدم تمایل به شرق و غرب، از اصول مهم سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) بود. این اصل در واقع یکی از شعارهای اساسی مردم در دوران انقلاب و برگرفته از سخنان امام خمینی (ره) بود که در موارد متعددی به این مسئله اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه امام در جایی می‌گوید ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد. (خمینی، ج ۴: ۱۹۵) ایشان در جایی دیگر می‌فرماید شعار نه شرقی و نه غربی، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفان و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد. (خمینی، ج ۸: ۱۶۱-۱۶۰) امام خمینی (ره) عدول از سیاست نه شرقی و نه غربی را خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران می‌دانست. (خمینی، ج ۲۱: ۱۵۵)

امام در تداوم نه شرقی و نه غربی، بحث استکبارستیزی را به عنوان تکلیف دینی و الهی مطرح و پیوند عمیق و همه‌جانبه‌ای را میان اندیشه‌های سیاسی و دینی انقلاب اسلامی و نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان برقرار می‌سازد. امام در جایی می‌فرماید عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم است ولی کافی نیست، بنابراین تنها وظیفه جمهوری اسلامی در روابط همکاری و معاهدات خود با کشورهای غیر اسلامی، این نیست که راه هرگونه نفوذ و سلطه آنها را ببندد، بلکه فراتر از آن مکلف به مبارزه با استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی‌عدالتی است، زیرا جهان‌شمولی اسلام و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی ایران، رعایت این اصل در چارچوب یک سیاست خارجی تهاجمی را ایجاب می‌نماید. (خمینی، ج ۱۲: ۹۳-۹۲) دیدگاه امام (ره) بر این اصل تکیه دارد که مسلمانان مکلفند در برابر استکبار جهانی ایستادگی کنند. اهمیت این تکلیف شرعی تا حدی است که آن را در ردیف عبادت‌های اصلی اسلام قرار داده است. (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۴)

احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر

امام در این مورد قائل به این است که اسلام برای همه و دلسوز برای بشر است و ما همه تابع اسلام و دلسوز برای بشر هستیم. به این معنا که ما با هیچ ملتی بد نیستیم. اسلام آمده است برای تمام ملل. (خمینی، ج ۱۱: ۱۴) ایشان در این رابطه می‌فرماید ما اعلام می‌کنیم که نظر تجاوز به هیچ یک از کشورهای

اسلامی و غیر اسلامی نداریم. ما می‌خواهیم که همه کشورهای اسلامی در محیط خودشان که هستند با هم برادر باشند. (خمینی، ج ۱۵: ۴۷۴) امام می‌گوید جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است، در صورتی که آنها هم احترام متقابل، قائل باشند. (خمینی، ج ۲۲: ۱۵۶) ایشان در جای دیگری می‌فرماید ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند، و با تمام کشورها هم به طور احترام متقابل عمل خواهد کرد. (خمینی، ج ۵: ۱۲۲)

دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

ایشان می‌فرماید ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است (خمینی، ج ۱۸: ۲۲۱) و در جای دیگری دفاع از همه مسلمین را لازم می‌داند، ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید اینطور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم. (خمینی، ج ۱۹: ۴۸۵)

کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش

از دیدگاه امام خمینی (ره) برای رهایی مستضعفان از شر فساد و بر خورداری از یک زندگی شرافتمندانه انسانی، باید مستضعفان دست در دست یکدیگر داده و قدرت مستکبران را محدود کنند و در این راه سیاست ایران بر حمایت از آنهاست. ایشان در جایی می‌گوید جمهوری اسلامی ایران هم در کنار شما و هم در کنار همه مسلمانان، بلکه در کنار همه مستضعفان جهان خواهد بود. (خمینی، ج ۲۰: ۱۸۴)

نفی رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی

نفی رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی به بخشی از هویت تمدن نوین اسلامی و سیاست خارجی آن تبدیل شده است. امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ دانسته و معتقد بودند تا زمانی که آمریکا آدم نشود یعنی روش‌های غلط و سلطه‌جویانه خود در برخورد با دیگران و با جمهوری اسلامی ایران تصحیح کند نمی‌توان با این کشور رابطه برقرار کرد. ضرورت همبستگی دولت‌های اسلامی برای مبارزه علیه اسرائیل و صهیونیسم یکی از اصول اصلی سیاست خارجی امام خمینی (ره) می‌باشد. اوج این مبارزه سیاسی را می‌توان در تعیین روز جهانی قدس مشاهده کرد این تصمیم مدیرانه و شجاعانه مسئله حمایت از مردم فلسطین را نهادینه کرد و سطح مبارزه با رژیم اسرائیل را به سراسر جهان منتقل نمود. تعبیر دقیق حضرت امام که

اسرائیل را غده سرطانی منطقه دانستند و تکرار این مطلب که تنها با فداکاری و پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان این غده چرکین را از بین برد از فرازهای برجسته دیدگاه‌های امام راحل تلقی می‌گردد و وقوع انتفاضه و آغاز حرکت‌های شهادت‌طلبانه جوانان فلسطینی بر علیه اسرائیل ریشه در تعلیمات و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) دارد. (غزاوی ۱۳۹۶) نظریه امام خمینی (ره) مبنی بر ضرورت محو اسرائیل از صفحه روزگار به این دلیل مطرح می‌شود که اسرائیل هیچ هویت اصیلی ندارد و ماهیت او بر غصب و اشغال است و این یک اصل پذیرفته در همه جهان است که هر کشور متجاوز و غاصب و اشغالگر را باید طرد و نفی نمود و سرزمین غصب و اشغال شده را نجات داد. (خمینی، ج ۵: ۱۸۶-۱۸۷) امام در این رابطه می‌فرماید اسرائیل غاصب است و هیچگونه رابطه‌ای بین ایران و یک مشت غاصب وجود ندارد. (خمینی، ج ۵: ۳۴۰)

برقراری صلح جهانی مورد نظر اسلام در عالم

از آنجا که اسلام مبنا را بر صلح‌خواهی گذارده است بنابراین مبانی اعتقادی این اصول در سیاست اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی ایران از سوی امام روشن می‌شود. بر همین اساس نوع نگرش امام به صلح و ثبات، با نگرش‌های رایج در عرف سیاسی و روابط بین‌الملل، تفاوت‌های آشکاری دارد. به نظر ایشان منشا نزاع‌ها و اختلاف‌ها خودگرایی است و چنانچه به خداگرایی تغییر جهت نیابد آرزوی دست‌نیافتنی بشریت صلح خواهد بود. از دیدگاه امام خمینی (ره) برپایی صلح واقعی در جهان، در صورت وجود زورگویان و سلطه‌گران امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که در اندیشه و فکر آنها عنصری به نام عدالت وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد معنای واقعی آن را به خوبی نفهمیده‌اند و همواره به دنبال سیاست‌های سرمایه‌داری خود بوده‌اند. همه صلح‌هایی که تا به حال از طرف قدرت‌های بزرگ و استعمارگر شکل گرفته است بیشتر در جهت تامین منافع آنها و نیز از بین بردن و نابودی حقوق مظلومان بوده است و توجهی به عدالت و اخلاق نشده است. از اینرو امام خمینی (ره) معتقدند صلح واقعی وقتی ارزش دارد که در آن عدالت برقرار شود و حقوق انسان‌ها در آن رعایت شود. در این رابطه ایشان به سه نوع صلح اشاره می‌کند:

صلح عادلانه

امام خمینی (ره) برقراری روابط عادلانه با دیگران را منوط به استقرار عدالت در مناسبات جهانی دانسته است. در نگاه امام برقراری صلح جهانی پایدار مستلزم استقرار عدالت جهانی است و برقراری عدالت جهانی پیش‌شرطی برای برقراری صلح جهانی می‌باشد. از آنجایی که قدرتمندان و دولت‌های غربی به هیچ قیمتی حاضر به کوتاه آمدن از منافع خود برای برقراری عدالت نیستند، بنابراین تقابل با آنها برای رسیدن به صلح جهانی و پایدار اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (خمینی، ج ۵: ۴۱۸)

صلح شرافتمندانه

بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز صلح دوستی را در مکتب‌های انبیا و اولیای حق، یک حقیقت می‌داند، نه یک شیوه و شعار تزویر آلود، بنابراین تحقق آرزوی بشر در جهان امروز و آینده تاریخ را در گرو حرکت رهبری می‌داند که دوست حقیقی انسان و طرفدار واقعی کرامت و شرافت ملت‌ها است. (خمینی، ج ۱۶: ۴۰۵) امام خمینی (ره) همچنین می‌فرمود جمهوری اسلامی مایل است با همه همجواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند و از دولت‌های اسلامی اگر مورد تهاجم واقع شوند پشتیبانی می‌کند، لکن در مقابل کج‌رفتاری‌ها و ستمگری‌ها و اسلام‌شکنی‌ها با قامت بلند ایستاده است و از هیچ قدرتی باک ندارد. (خمینی، ج ۱۷: ۳۹۶)

صلح عزتمندانه

امام خمینی (ره) می‌فرمود اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی این چنانی هر چند به وسیله مبارزه منفی باشد. (شکوری ۱۳۶۱ ج ۲: ۴۰۰، به نقل از خمینی، ج ۱: ۴۸۵) بنابراین در نگاه ایشان، صلحی نیز که عزتمندانه نباشد مورد قبول نیست و خارج از چارچوب معیارهای لازم برای صلح واقعی است.

دیدگاه امام خامنه‌ای

سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب، استمرار سیاست‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) است. ایشان در بیان اصول سیاست خارجی معتقد به ادامه خط امام و اصول تغییر ناپذیر سیاست خارجی ایشان است (حاتمی‌راد ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۵۴) و تقریباً می‌توان گفت تمام اصول مورد نظر امام خمینی (ره) را تکرار نموده و جزئیات و تفصیلات بیشتری را نیز با توجه به اقتضائات و ضرورت‌های زمانه تبیین نموده است.

صدور انقلاب

ایشان در جایی می‌گوید تمدن نوین اسلامی محقق نمی‌شود جز با صدور آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب برای مردم کشورهای مسلمان که زیر بار سلطه بیگانگان قرار دارند. (بیانات رهبری ۱۳۹۸/۴/۱۹)

در همین راستا، ایشان معتقد بود شناخت مخاطبانی که در رسیدن به اهدافمان موثر هستند، از اهمیت بالایی برخوردار است. (یزدان فام ۱۳۹۳: ۵۸) ایشان در جایی می‌گوید پیروزی انقلاب اسلامی نه فقط پیروزی بر ظلم و استکبار بود بلکه چراغ روشنی در پیش روی دیگر ملت‌های مسلمان قرار داده تا مسیر انقلاب ایران را طی نموده تا به استقلال دست یابند. (بیانات رهبری ۱۳۹۸/۸/۳) ایشان در راستای تبیین بیشتر این اصل و ابزارهای صدور انقلاب به هنر و سینما اشاره و این دو را ابزار تحقق این هدف می‌داند. رهبری در جایی می‌گوید رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در ایجاد یک تصویر مثبت از یک تمدن نوین اسلامی ایجاد کنند. در این راستا، رهبر انقلاب، رسانه‌ها شامل شبکه‌های مجازی، اینترنت، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجلات و ... را به عنوان ارکان قدرت نرم دانسته که حتی برد و توانایی آنها از موشک هم بیشتر می‌دانند. (بیانات رهبری ۱۳۸۳/۲/۲۸) ایشان تبلیغات را در عرصه‌های داخلی و خارجی جزء قدرتمندترین ابزارها برای مقابله با دشمنان برمی‌شمرند. (بیانات رهبری ۱۳۸۸/۷/۲)

در تداوم اصل صدور انقلاب، ایشان بحث تالیف قلوب را نیز مطرح می‌کند که یکی از مهمترین ابزارهایی است که در چارچوب مفهوم قدرت نرم قرار گرفته و بر اساس آموزه‌های قرآنی و فقهی در اختیار حکومت اسلامی است. تالیف قلوب می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران که همانا گسترش تفکرات اسلامی و بسط اندیشه انقلاب اسلامی در قالب تمدن نوین اسلامی است، داشته باشد. (نعیم‌آبادی و پالیزی‌پیشه ۱۳۹۸: ۵۳-۷۲)

نه شرقی و نه غربی

رهبری در این راستا می‌گوید سیاست ما تابع هیچ رکنی، نه شرق و نه غرب، نخواهد شد و این جزء اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییر پذیر نیست. این، اصلاً سیاست نیست، بلکه مبنا و پایه نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد. (بیانات رهبری ۱۳۶۲/۷/۱۲) بنابراین در تبیین دقیقتر این اصل، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید می‌کند نه شرقی و نه غربی به معنای رابطه نداشتن با کشورهای شرقی و غربی نیست بلکه مهم دم‌پذیرش سلطه است. ایشان هم در همین راستا بحث مبارزه با استکبار را مطرح می‌کند. ایشان در جایی می‌گوید مبارزه با استکبار یعنی هر جا که در سطح جهان دستمان برسد، نسبت به استکبار افشاگری خواهیم کرد، هر جا که مظلومی از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم طرف آن مظلوم را بگیریم. (بیانات رهبری ۱۳۷۵/۸/۹)

احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر

سیاست خارجی نظام اسلامی به طور کلی بر این مبناست که، ما با کشورها بر اساس قانون اساسی و بر اساس اصول اسلامی با کشورهایی که سر تعرض با ما ندارند، رابطه خصمانه نداریم، کسانی که با ما سر تعرض دارند و شیوه خصومت در پیش می‌گیرند، ما هم در مقابل با آنها خصومت‌آمیز برخورد می‌کنیم. اگر خصومت آنها نظامی بود، ما هم متقابلاً خصومت نظامی خواهیم داشت. اما کشورهایی که با ما سر خصومت ندارند و مایلند با ما ارتباطات دوستانه یا برادرانه داشته باشند، ما نسبت به آنها روی خوش نشان می‌دهیم و دست دوستی به سوی آنها دراز می‌کنیم. (بیانات رهبری ۱۳۶۱/۳/۳)

نفی رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی

مقام معظم رهبری همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌ها، با تجلیل از روح بلند امام بزرگوار، بر ادامه راه آن رهبر فرزانه تاکید کرده تا جهانیان بدانند که دوران با شکوه امام همچنان در ایران اسلامی ادامه دارد و سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی با دولت آمریکا بر مبنای همان اصولی استوار است که امام خمینی (ره) ترسیم نموده‌اند.

رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرماید تا وقتی که آمریکا در چنین موضعی قرار دارد، ما رابطه با او را رد می‌کنیم. تا وقتی که سیاست آمریکا بر دروغ و فریب و جنایت و حمایت از دولت پلیدی مثل اسرائیل و ظلم به ملت‌های مستضعف استوار است ... امکان ندارد ما با دولت آمریکا مذاکره کنیم یا با او رابطه‌ای برقرار نماییم. (بیانات رهبری ۱۳۵۸/۳/۲۳)

ایشان در این رابطه می‌فرماید قطع رابطه و عدم مذاکره نتیجه رفتار و وضع طبیعی استکبار آمریکایی است و مدل رابطه ما و آمریکا، رابطه نفرت از طرف ما و خصومت خبائث‌آمیز از طرف آنها است. بر این اساس دشمنی ما با آمریکا تاکتیکی و مصلحتی نیست و اصولی و مبنایی است. لذا تابع مواضع ما نیست. مخالفت آمریکا با نظام، هویت و ایمان اسلامی است. (بیانات رهبری ۱۳۷۸/۱۰/۲۷)

رهبری در جایی دیگر می‌فرماید البته، آمریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با او را قبول نداریم و رد می‌کنیم. سوال می‌شود تا کی؟ پاسخ این پرسش را، هم امام (ره) و هم همه کسانی که در این باره صحبت کرده‌اند، گفته‌اند تا وقتی که سیاست‌های مبنی بر زور و ظلم و فشار و خصومت با جمهوری اسلامی و حمایت از دشمنان جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه پیدا کند. امام (ره) فرمودند «تا وقتی که آدم بشود»، یعنی این روش‌های غلط را اصلاح بکند. (بیانات رهبری ۱۳۶۸/۵/۳۱)

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مورد رژیم صهیونیستی نیز در جایی می‌گوید شاخصه عمده این است که ما الگوهای تحمیلی دنیا که باید گفت الگوهای تحمیلی غرب را در مورد نظام سیاسی، در مورد نوع ارتباطات دیپلماتیک، در مورد نوع تعامل با مسائل جاری عالم حاضر نشدیم قبول کنیم. چند تا شاخص

اصلی دارد مسئله اسرائیل است. مسئله ملت‌ها و بعضی نهضت‌هاست، خود مسئله آمریکاست. (بیانات رهبری ۱۳۷۸/۵/۲۵)

اتحاد با جهان اسلام

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جایی می‌فرماید یکی از راهکارهای استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام، این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی، همان مقدار که ممکن است، دعوت کنیم. (بیانات رهبری ۱۳۸۱/۵/۲۷) ایشان در جایی می‌فرماید نقش اسلام را در دنیا هر چه می‌توانید، پررنگتر کنید. بگردید با ابتکار، ببینید کجاها می‌توان برای اسلام نقش‌آفرینی کرد، نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام. (بیانات رهبری ۱۳۷۹ / ۵ / ۲۵)

بر همین اساس ایشان در بحث بیداری اسلامی اشاره می‌کند که بیداری اسلامی به این معناست که احساس هویت اسلامی در میان توده‌های مسلمان، در همه جا، به وجود آمده است. (بیانات رهبری ۱۳۸۳/۵/۲۵)

صلح عادلانه

ایشان صلح عادلانه را اینگونه مورد تاکید قرار دادند، صلح عادلانه یک ارزش است، والا ظالمی که آمد خانه یک مظلومی را غصب کرد، با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند، آن مظلوم اعتراض می‌کند، دعوا می‌کند، یکی بیاید بگوید صلح کنید، حالا پهلوی هم زندگی کنید، پس غصب خانه او چه می‌شود؟ بنابراین صلح عادلانه مهم است، بنابراین مسئله عدالت و تعمیم آن به همه میدان‌های قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی، جزء افکار و نوآوری‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی دنیای امروز است که اینها را به چالش می‌کشد. پس پایه فکری را باید قوی کرد تا انسان در پیکار اندیشه‌ها و افکار گوناگون در امروز دنیا بتواند بایستد و جبهه خودش را حفظ کند. (بیانات رهبری ۱۳۸۵/۸/۱۷) برای تحقق این مهم ابتدا باید صلح را فارغ از منافع قدرت‌ها و با نگاه جامع به انسان به عنوان اشرف مخلوقات تعریف کرد که رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرمودند صلح باید بر مبنای عدالت و با معرفت به کرامت انسان و به دور از اغراض قدرتمندان عالم باشد. (بیانات رهبری ۱۳۸۸/۷/۱۴)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی همواره از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده است. در این عرصه، عوامل گوناگونی تاثیرگذارند که در انقلاب اسلامی، حضرت امام و مقام معظم رهبری دارای جایگاه ویژه‌ای در

تبیین اصول و مبانی سیاست خارجی هستند. در این مقاله به بررسی سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی پرداخته شد. پس از تشریح مفهوم تمدن و پرداختن به فراز و فرود تمدن اسلامی، مشخص گردید که مقصود از تمدن نوین اسلامی، مجموعه زیربنای جدید برای کشورهای اسلامی که منطبق با شرایط و دوران جدید باشد، مورد نظر است. در این راستا و به منظور بررسی سیاست خارجی چنین تمدنی، با توجه به سابقه تاسیس نظام جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تشخیص داده شد که استخراج اصول سیاست خارجی این دو رهبر، می‌تواند به استخراج الگوی سیاست خارجی مورد نظر تمدن نوین اسلامی کمک نماید. این مسئله خصوصاً از آن جهت اهمیت دارد که امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هر دو قائل به تمدن نوین اسلامی بوده و انقلاب اسلامی را نیز گاهی در مسیر استقرار تمدن نوین اسلامی قلمداد می‌کردند.

بررسی‌ها نشان داد که امام خمینی (ره) همگرایی ملل اسلامی، صدور انقلاب، نه شرقی و نه غربی، استکبارستیزی، عدم رابطه با آمریکا و رژیم اسرائیل، احترام متقابل، کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش و برقراری صلح جهانی مورد نظر اسلام را از جمله اصول مرتبط با شکل‌گیری سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی می‌داند.

بررسی اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نشان داد ایشان نیز صدور انقلاب، نه شرقی و نه غربی، احترام متقابل، استکبارستیزی، عدم رابطه با آمریکا و رژیم اسرائیل، احترام متقابل اتحاد با جهان اسلام، استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام و صلح عادلانه را به عنوان اصول سیاست خارجی مرتبط با تمدن نوین اسلامی می‌داند.

بنابراین می‌توان اصول مشترک مورد نظر این دو رهبر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اصول سیاست خارجی تمدن نوین اسلامی در عصر و دوره حاضر معرفی نمود.

منابع

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد ۱۳، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، العبر: تاریخ ابن خلدون، جلد ۱، ترجمه آیتی عبدالمحمد، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۳- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۵ ق)، المفردات فی غریب القرآن، جلد ۱، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه.
- ۴- ابراهیمی کوشالی، حسین (۱۳۹۵)، نظام صحیح حرکت منطقی از انس با قرآن تا تمدن نوین اسلامی، قم، انتشارات مجد اسلام.
- ۵- اکبری، مرتضی، رضایی، فریدون (۱۳۹۴)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه علمی - پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- ۶- آدمی، ابرقویی (۱۳۸۷)، درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، بایسته‌های نظری، مقدمه محمدباقر خرمشاد، تهران، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات معارف.
- ۸- علامه جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- گولد، جولویوس، کولب، ویلیام (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات مازیار.
- ۱۰- جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۳)، فرآیند تحقق تمدن اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۳.
- ۱۱- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری، مجله حصون، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۵.
- ۱۲- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، جلد ۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- ۱۳- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه‌نور، ۲۳ جلد، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۴- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، قابل دسترس در سایت به آدرس: Khamenei.ir
- ۱۵- خلیج، رضا (۱۳۹۲)، تمدن اسلامی در یک نگاه، آذر ۱۳۹۲.
- ۱۶- دنگچی، مهدی (۱۳۹۴)، احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۴.
- ۱۷- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۵)، بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۹.

- ۱۸- سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، انتشارات نورالثقلین.
- ۱۹- سایت شفاف (۱۳۹۲)، اصول سیاست خارجی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت شفاف به آدرس: <http://www.shafaf.ir/000ILK>.
- ۲۰- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، فقه سیاسی اسلام (دو جلدی)، انتشارات حر.
- ۲۱- مرحوم عمید زنجانی، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۱، تهران، انتشارات اشجع.
- ۲۲- غزوی، زهیر (۱۳۹۶)، نقش استراتژیک ایران در مبارزه با رژیم صهیونیستی و ابرقدرت‌های حامی آن از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، العین، جلد ۸، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
- ۲۴- فوزی، یحیی، صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
- ۲۵- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، جلد ۶، چاپ پانزده، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۶- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷)، اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۲۷- لوکاس، هنری (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم، تهران، انتشارات سخن.
- ۲۸- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۴)، مساله فلسطین در کلام امام خمینی (ره)، تهران، امور بین‌الملل.
- ۲۹- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۴)، آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، تهران.
- ۳۰- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۱۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۱- نعیم‌آبادی، حسن، پالیزپیشه، محسن (۱۳۹۸)، جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجله علمی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۸.
- ۳۲- واعظی دهنوی (۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- ۳۳- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۳۴- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۳)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.